



اسماعیل فروغی

محترم اسماعیل فروغی ژورنالیست آگاه ، نویسنده ی
روشنگر و کارمند شایسته و با تجربه ی رادیو
وتلويزون

مصاحبه کننده : انجنير عبدالقادر مسعود

در جمع نخبگان پرتلاش و ورزیده سرزمین باستانی ما و در دنیای شکوهمند ادب و فرهنگ ما، در مورد کارنامه ها و خدمات مثمر شخصیت مستعد و هوشمندی مینگارم، که یکی از چهره های قدیمی ولی آشنا برای بیشترین بیننده گان و علاقمندان تلویزون افغانستان است . این نویسنده ی فرزانه و سخنور آگاه دنیای ادب و فرهنگ، ژورنالیست ورزیده و ممتاز محترم اسماعیل فروغی میباشد. چنانچه شما هموطنان با کار و فعالیت مثمر ایشان از راه رادیو و تلویزیون و مطبوعات شناسایی دارید.

در شروع نظری کوتاهی می اندازیم به زندگینامهء محترم اسماعیل فروغی :

محترم اسماعیل فروغی در سال (۱۹۵۴) عیسوی در شهرکابل در یک خانواده منور چشم به دنیا گشوده، در لیسهء عالی غازی درس خوانده و در سال (۱۹۷۵) عیسوی در پوهنځی زبان و ادبیات پوهنتون کابل، رشته ژورنالیزم را به پایان رسانیده است.

او پس از فراغت از تحصیل، در برنامه های گوناگون رادیو و تلویزون به صفت پرودیوسر و نویسنده ی متن برنامه ها ، ایفای وظیفه نموده و در ایجاد و تهیه ی برخی برنامه های مشهور و پرطرفدار، سهم فعال و سازنده داشته اند؛ که به طور نمونه میتوان از برنامه های (موسیقی و نکته ها) برای رادیو و (ساعتی با شما) برای تلویزون یاد آور شد.

وظایف و مسوولیت های مسلکی و رسمی که محترم اسماعیل فروغی پیش از مهاجرت به کشور آلمان تا سال (۱۹۹۳) عیسوی در داخل کشور داشتند ازین قرار است :

- نویسنده و گرداننده ی برنامه های مختلف رادیویی و تلویزونی .

- دستیار انتخابی اتحادیه ژورنالیستان تلویزون و رادیوی افغانستان .

- مدیریت عمومی ارزیابی و انسجام تمام برنامه های رادیو افغانستان وقت .

- مدیریت عمومی اطلاعات تلویزون ملی افغانستان .

- ریس بورد مفسرین رادیو و تلویزون ملی افغانستان .

محترم فروغی بعد از مهاجرت در کشور آلمان نیز مسوولیت مسلکی ایجاد ، اداره و تولید نشرات تلویزیون جهانی ای بنام (آریانا) را به عهده داشته و بحیث رییس نشرات آن ایفای وظیفه نموده است .

او داستان کوتاه و مقالات تحقیقی سیاسی ، اطلاعاتی و ادبی زیادی نوشته است که در نشریه های گوناگون درون مرزی و برون مرزی و یا از راه انترنت به نشر رسیده است .

محترم داکتر ببرک ارغند که یکی از دانشمندان فرزانه، نویسنده گرانمایه، ژورنالیست ورزیده داستان نویس و نمایشنامه نویس ممتاز کشور ما است در یکی از نوشته های خود درمورد شخصیت ادبی و فرهنگی محترم فروغی صاحب چنین مینگارد:

((از دیروز تا امروز

در ادوار گذشته حکومت‌های اقتدار گرا در شأن خود نمیدانستند که در باره سیاست های خویش به مردم و عوام توضیحات ارائه دارند . توضیح سیاست به مردم را کسر شأن خویش میدانستند و لزومی نمیدیدند تا اذهان مردم را برای پذیرش سیاست‌های خویش آماده سازند . گویا به چنین بستری اصلاً نیازی دیده نمیشد و در نتیجه یک گودال عمیق بی خبری و بی باوری، مردم را از سیاست‌های دولتها و حکومتها بدور نگه میداشت .

سیاستها به گونه رمز و اسرار در گاوصندوق های ذهن سیاستمداران نگهداری و حفاظت میشد و در فرایند تحقق اهداف دولتمداران ، کار برد افزاری میداشت . گاه گاهی حتی مجریان این سیاستها نیز در چنبره بیخبری بسر میبردند .

از سوی دیگر هیولایی بنام سانسور در فضای بسته کشور در پرواز میبود و صدای شوم بهم زدن بال هایش خواب از چشم آفرینشگران و ژورنالیستان و قلم بدستان میپیراند.

اما امروزه چنین نیست . ورق برگشته است. وسایل ارتباط جمعی - تبلیغاتی و ارتباطات اجتماعی و بین المللی خیلی وسعت یافته اند . سرمایه جهانی شده است و افکار عمومی ناگزیر نقش بزرگی در کارکردها و اقدامات حکومتها به دست آورده اند . امروزه سمت و سو یافتن اذهان مردم و مشارکت شان در تامین سیاست‌های حکومت یک امر مهم و سودآور است . به این منظور دولتها با استفاده وسیع از وسایل ارتباط جمعی چی نوشتاری و چی شنیداری و با تبلیغات وسیع و برنامه ریزی شده در تلاش جلب مشارکت افکار مردم اند تا از آن از یکسو برای تحقق اهداف خود و از سوی دیگر برای برانگیختن مقاومت افکار عمومی مردم علیه دشمنان خویش استفاده ببرند. این دولتها تلاش دارند تا دریچه های اذهان مردم را با اعمال نظارت و سانسورنامری بروی تبلیغات دشمنان خویش ببندند . در واقع میخواهند یک نوع کنترل اجتماعی را که در ژورنالیزم مدرن کنترل تلقینی نامیده میشود بجای اعمال خشونت وبگیر و ببند هایی که در گذشته ها رواج داشت جا نشین سازند . ما درد این شیوه تبلیغات را در کشور خویش حس میکنیم . آن آزادی های دروغین و سمت و سو دادن اذهان مردم را که بیرحمانه آب به آسیاب سرمایه میریزد را میبینیم.

واضح است در چنین وضعیتی که کشور ما قرار دارد وظایف قلم بدستان وبه ویژه ژورنالیستان ما نیز سنگینی بیشتر مییابد. اما جای دلگرمیست که مردم ما چنین قلم بدستان و ژورنالیستانی را دارد که با پای مردی و شجاعت در سنگر دفاع منافع آنان ایستاده اند.

یکی ازین نخبه گانِ اندیشمند و روشنفکر جناب اسماعیل فروغیست. ایشان یکی از ژورنالیستان آگاه ، اثرگذار، سابقه دار و گرم و سرد چیده روزگار ماست که با فروتنی و پشتکار در خدمت وطنداران خویش قرار دارد . ایشان نتنها یک ژورنالیست با وجاهت ، پیشگام و با شخصیت اند بل در آفرینش داستان کوتاه نیز از مهارتهای ویژه یی برخوردار اند . من داستانهای زیادی از ایشان خوانده ام و لذت برده ام. بایسته میدانم تا از کار کردهای ایشان باقدر دانی یاد نماییم .

اسماعیل فروغی سالهای سال زنده باشند و با آثار و کار کرد های علمی و ادبی خویش مردم ما را یاری رسانند . فروغِ فروغی فروغمند و راه شان هموار بادا !))

محترم اسماعیل فروغی در سال (۲۰۱۲) عیسوی بنا بر تقاضای شهرداری شهر کابل در براه اندازی اساسات مسلکی تلویزیون و استودیوی پرودکشن آن اداره سهم بسزایی ادا نموده و در سال (۲۰۱۳) عیسوی بنا بر تقاضای ریاست عمومی رادیو تلویزیون ملی افغانستان ، بحیث عضو بورد بهترسازی برنامه های تلویزیون سهم شایسته یی را ادا نموده است .



اسماعیل فروغی

محترم اسماعیل فروغی با همسر و سه فرزند خود به نامهای پرویز، مژگان و منوچهر در کشور آلمان روزها و شب های مهاجرت و بی وطنی را سپری مینمایند.

فرزندان او تحصیلات عالی شانرا در کشور آلمان به پایان رسانده اند و با علاقمندی که به میهن خود دارند در فکر و ارزوی این هستند که اگر در وطن ما آرامی و صلح سراسری بوجود آید بتوانند در کشور آبایی شان مصدر خدمت به وطن و هم میهنان خود گردند.



اسماعیل فروغی

فروغی صاحب از جمله چهره های شناخته شده و مجرب مطبوعات میهن ما میباشد که در فعالیت های ادبی و فرهنگی خود همیشه آگاهانه با شایسته گی و با احساس مسوولیت پاک وطنی و ملی خود، توانسته است افکار سالم، عاطفی و انسانی خود را صادقانه، بی طرفانه و بی غرضانه بیان نماید.

محترم صدیق کاوون توفانی که یکی از شخصیت های توانا، روشنگر و سخنور آگاه دنیای ادب و فرهنگ کشور ما است، در یکی از نوشته های خود در مورد شخصیت ادبی و فرهنگی محترم اسماعیل فروغی چنین مینگارد :

((اسماعیل فروغی یکی از چهره های درخشان فرهنگی افغانستان است که بیشترین سالهای زنده گی خود را به امر خدمت به دانش و فرهنگ کشورش وقف کرده است . به یاد دارم سالهای دهه شصت خورشیدی را که او همگام و همراه با همنفسان دیگر - که هر کدام شان غنیمت بزرگی بود برای کشور - چه گونه تلاش شباروزی به خرج میداد تا سهم خود را در شگوفایی فرهنگی ادا نماید و برای میهن و هم میهنانش مصدر خدمتی گردد.

برنامه های رادیویی و تلویزیونی که توسط محترم اسماعیل فروغی و همکارانش تهیه و ترتیب میشدند از پر شنونده ترین و پر بیننده ترین برنامه های رادیو و تلویزیون افغانستان بودند . به گونه مثال میتوانم از برنامه های موفق « موسیقی و نکته ها » و « ساعتی با شما » یادآور شوم .

اسماعیل فروغی یکی از زیبانویسان کشور ماست که داستانها و نوشته هایش مملو از عشق به انسان و انسانیت است . او یک انسان متواضع ، صمیمی و راستکار است که به رسالت روشنگرانه اش وفادار مانده است . او فقیرانه زیست و فقیرانه میزید ولی هیچگاه از دانش و هنرش نردبان نساخت تا به ثروت برسد.

من به ژورنالیست آگاه و نویسنده خوشنام کشور ، فروغی عزیز صحت و سرفرازی همیشه گی آرزو میکنم و قلمش را رسا و پر رنگ میخواهم.))

محترم اسماعیل فروغی یک انسان مهربان، فروتن، مؤدب، با دوستان و همکاران خود بی نهایت صمیمی بوده و در کار و فعالیت های مسلکی خود از استعداد سرشار، تاثیر گذار و تجارب غنی برخوردار است. او همیشه تلاش نموده، تا اندوخته ها و تجارب مسلکی خود را در خدمت وطن ، هم میهنان و هم مسلکان خود قرار دهند.

دوستان عزیزو گرامی به خاطری معرفی بیشتر محترم اسماعیل فروغی با او مصاحبه انجام داده ام که توجه شما علاقمندان علم، هنر، ادب و فرهنگ را به آن جلب مینمایم .

محترم فروغی صاحب به شما و همه هموطنان عزیز خود عرض سلام و ادب دارم، اجازه دهید پرسشهای خود را مطرح نمایم .

مسعود عزیز تشکر از شما . من در خدمت شما و خواننده گان عزیز خود هستم.

پرسش : محترم فروغی صاحب ، شما ژورنالیزم را چگونه تعریف مینمایید، چه کسی با کدام صفات و خصوصیات میتواند به عنوان یک ژورنالیست خوب، آگاه و مسلکی تبارز نماید؟

پاسخ : پیش از هر کلامی اجازه دهید با سلام و درود خدمت شما و خواننده گان عزیز، از شما تشکر نمایم که مرا بیاد آوردید . از شما و هموطنان عزیز و قدرشناسم سپاسگزارم که کارهای کوچک ژورنالیستیک مرا هنوز بخاطر دارید .

درمورد سوال شما ، بسیار فشرده مینویسم که : ژورنالیزم با تکامل حیرت آوری که طی سالهای اخیر داشته و با ژرفا و گسترده گی که امروز کسب کرده است ، علم تأمین ارتباط با مردم بخاطر آگاهی دادن، معلومات دادن و تفریح بخشیدن آنان میباشد . ژورنالیزم مددگار و همدم و همراه مردم است . به نظر من امروز ژورنالیزم جزء حتمی زنده گی مردم است . شاید مبالغه نباشد اگر بگویم که ادامه ی حیات امروزی بدون موجودیت ژورنالیزم بسیار دشوار و حتا آزار دهنده خواهد بود .

و اما صفات و خصوصیات یک ژورنالیست خوب و موفق به نظر من در پهلوی سایر صفات خوب دیگر ، قبل از همه این است که :

- صادق ، درستکار و صمیمی باشد
- همواره به اندوخته های علمی و معلوماتی اش بیفزاید .
- هیچگاهی ابتکار و نوآوری را از یاد نبرد.
- واگر در بخشهای خبری و اطلاع رسانی کار مینماید ، سریع و دقیق باشد .

پرسش : به نظر شما وظایف عمده و اساسی یک ژورنالیست چه است؟

پاسخ : همانها که قبلاً زیر عنوان صفات خوب ژورنالیست یادآوری نمودم . به این معنا که ژورنالیست خوب باید قبل از همه ؛ صادق و راستکار باشد ، همواره به اندوخته های علمی و معلوماتی اش بیفزاید ، مبتکر و ایجادگر بوده و سریع و دقیق کار نماید . به نظر من همینها از مبرم ترین وظایف یک ژورنالیست است .

پرسش : تعریف شما از آزادی بیان چیست ؟ آیا آزادی بیان و آزادی مطبوعات سرحد میشناسد یا خیر؟ اگر میشناسد این سرحد شامل چه مسایلی خواهد بود ؟

پاسخ : من تا کنون از آزادی بیان تعریفهای گونه گونی شنیده و خوانده ام ؛ اما آنچه همه تعاریف به آن تأکید دارند اینست که : آزادی بیان آزادی ابراز عقیده ، تفکر و اندیشه

است ، آزادی بیان آزادی کسب اطلاعات و برخوردای از اطلاعات است . و بالاخره آزادی بیان ، مایه و درونمایه ی دیموکراسی و حقوق بشر است . شما میدانید که بیان و انتشار آزاد اندیشه ها ، عقاید و افکار یکی از اساسی ترین و گرانبها ترین حقوق انسانیست . آدمها این حق را باید به گونه ی طبیعی داشته باشند . این حق یک ودیعه است برای جوامع بشری که هیچ نیرویی حق ندارد آنرا از آدمها دریغ نماید . و اما این حق و این آزادی را ما تا زمانی داریم که به دیگران صدمه نرسانیم . این مسأله شامل آزادی مطبوعات نیز میگردد . آزادی مطبوعات یا بهتر است بگوییم آزادی رسانه های گروهی هم که یکی از پایه های اساسی دیموکراسی و حقوق بشر است ، آزادی بیان و انتشار حقایق به دیگران است . جوامع بشری تنها به یاری آزادی بیان و آزادی مطبوعات و اطلاعات است که میتوانند به قله های بلند ترقی ، تکامل و عدالت اجتماعی دست بیابند .

پرسش : شما خبر دارید که در افغانستان نسبت به سالهای گذشته آزادی بیان، آزادی نشرات، کار و فعالیت ژورنالیستان با تهدید، ممانعت و سانسور روبرو شده است . به عنوان یک ژورنالیست آزاد این مشکلات را چگونه ارزیابی مینمایید؟

پاسخ : من به این باورم که ، با وجود دشواریها و رسوایی های محدودی که در سالهای اخیر در عرصه ی آزادی بیان و آزادی رسانه ها وجود داشته است ، آزادی بیان و آزادی رسانه ها یکی از با ارزش ترین و عمده ترین دستاورد های سالهای اخیر در کشور ما بوده است . مردم و رسانه های گروهی ما هیچگاهی چونین آزادی برای بیان عقاید و نظریات و درد دل هایشان نداشته اند . شما آگاهی دارید که امروز ما صاحب صدها رسانه ی گروهی شامل تلویزیون ها ، رادیوها ، روزنامه ها ، مجلات ، نشرات گونه گون چاپی و برقی هستیم . من نمیخواهم به ماهیت و کیفیت این رسانه ها بپردازم که این رسانه ها چگونه و از کجا تمویل شده و کیفیت برنامه ها و کارنامه هایشان چگونه است . این بحث جداگانه بیست . اما همینکه گروه های متنوع از راه رسانه های متنوع و گوناگون و در نهایت مردمان مختلف ؛ اندیشه ها ، تفکرات و نظریات شانرا بیان و پخش مینمایند ؛ برای من یک دستاورد است – یک دستاورد قابل قدر . و این حق مردم است – حق طبیعی مردم که در گذشته ها از مردم دریغ ورزیده شده است .

به نظر من خوب است اگر مردم و ژورنالیستان ما بخاطر استفاده ی بهتر و سودمندتر ازین حق شان (حق آزادی بیان و آزادی رسانه های جمعی) ، تشکل های طبقاتی ، حقوقی و صنفی شانرا قوی تر نموده و از آزادی بیان و آزادی رسانه ها بخاطر تأمین حقوق اقتصادی ، اجتماعی و ایجاد و تحکیم عدالت اجتماعی استفاده نمایند .

پرسش : زمانیکه در داخل کشور ما یکعده مقامات و حاکمان دولتی آلوده با فسادهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی منافع خود را در خطر احساس میکنند، و اکثر ژورنالیستان و مسوولین رسانه های گروهی را تحت فشار، اخطار، هشدار و تا سرحد قتل آنها و در تحت مراقبت های عدلی و قضایی مورد تهدید قرار میدهند. شما به عنوان یک ژورنالیست مجرب و واقع بین به خاطر همچو مشکلات و چالشها در جهت دفاع از هم مسلکان تان چگونه می اندیشید؟

پاسخ : وقتی من خبر ناگواری را در باب برخورد غیرقانونی، ظالمانه و غیر عادلانه ی اهل فساد با ژورنالیستی میشنوم یا میخوانم، میخواهم پتک گرانی شده، بر فرق عامل یا عاملان آن ناروایی و ظلم فرودآیم. میخواهم فریاد شده به گوش جهانیان بنشینم و همه را به حمایت از هم مسلک یا هم مسلکان عزیزم بیا بخیزانم. به نظر من، موثرترین راه حمایت از آزادی بیان، آزادی رسانه ها و ژورنالیستان آگاه و آزادی دوست، تنویر بهتر و بیشتر مردم و اتحاد و همدلی بیشتر بخاطر حفظ دستاوردهای بزرگ ماست.

پرسش : به نظر شما اتحادیه های ملی و بین المللی ژورنالیستان در مقابل تهدیدها و حتا به شهادت رساندن ژورنالیستان و خبرنگاران چگونه میتوانند از توانایی های خود حد اعظم استفاده را نمایند تا جلو تکرار همچو حوادث دلخراش گرفته شود؟

پاسخ : من به این باورم که توانایی هر کتله و اتحادیه و گروهی در همفکر بودن و یکپارچه بودن آن است. اگر اتحادیه ی ژورنالیستان ما در برابر هر تهدید زورمندان و مفسدان، متحد و یکپارچه عمل کرده، عکس العمل مناسب و فوری نشان دهند، هیچ زورمند و فاسدی جرأت تهدید دوباره را نخواهد داشت. شما میدانید که از گذشته های دور ژورنالیزم را بحیث چارمین قوه ی جامعه قبول کرده اند؛ ولی با دریغ و درد که تا هنوز بسیاری ژورنالیستان ما به این حقیقت توجه جدی ننموده و به توانایی های ذاتی و مسلکی خود کم بها میدهند.

پرسش : قسمیکه ما شاهد هستیم شما هم در عرصه ژورنالیزم و هم در زمینه ادبیات دستاورد های درخور توجه داشته اید. در مورد هماهنگی این دو رشته چگونه می اندیشید، و در کدام بخش ها کار های تان را برجسته ترمی بینید؟

پاسخ : شما میدانید که پهنای ژورنالیزم امروز آنقدر گسترده شده است که شاید بتوان اذعان کرد که گاهگاهی بخشی از کارهای ژورنالیستیک با ادبیات سر و کار زیادی ندارد؛ اما من برای ژورنالیزم، ادبیات را بمثابة ی مادر میپندارم. به نظر من یک ژورنالیست خوب، قبل از همه باید بتواند خوب بخواند، خوب و درست بنویسد، خوب و درست سخن بگوید و منظم و پیگیر مطالعه نماید. در یک سخن، تنها به یاری ادبیات

است که ژورنالیزم موفقیت و موثریت بیشتر کسب کرده ، به تعالی و ترقی بیشتر دست مییابد .

و اما درباره ی کارهای ناچیز من که البته شما با محبت و اغراق برخورد کرده اید ، باید بگویم که من بیشتر به کارهای ژورنالیستیک پرداخته ام که البته همه با ادبیات سر و کار مستقیم داشته است . در ایجاد ، اجرا و نگارش برخی برنامه های رادیویی و تلویزیونی نقش مستقیم داشته ام که همه برای من برجسته و با ارزش بوده اند . و به همینگونه داستان کوتاه مینویسم ، برخی کارهای تحقیقی انجام داده و مقالات ادبی و سیاسی نوشته ام و مینویسم که شاید نسبت به کارهای مشخص ژورنالیستیک من کمرنگتر بوده اند .

پرسش : در انعکاس دادن چگونگی صدای برحق افراد یک کشور یک ژورنالیست، خبرنگار و مصاحبه کننده باید به کدام نکات مهم و اساسی توجه نماید و روی کدام اصول و مقررات مسلکی باید عمل نماید؟

پاسخ: یک ژورنالیست قبل از همه باید صادق و امین باشد . سرعت ودقت در کارش داشته باشد و ابتکار و نوآوری را همواره از یاد نبرد . هرگاه این نکات ارزشمند را همواره در نظر داشته باشد بدون شک و تردید میتواند قادر به بیان حقایق و بیان صدای برحق ملتش هم باشد .

پرسش : در جمع رسانه های گروهی، رادیو و تلویزون در روشنگری ذهنیت مردم یک کشور چه رول و نقشی میتواند داشته باشد؟

پاسخ : بدون شک رادیو و تلویزیون – بخصوص تلویزیون با در نظر داشت امکانات وسیع تکنالوژیکی که در اختیار دارد ، میتواند بیشتر و شاید هم موثرتر از دیگر وسایل ارتباط گروهی در کار ارزشمند روشنگری نقش ایفا نماید . امروز رادیو و تلویزیون هر دو به یاری تکنالوژی میتوانند بسیار سریع عمل کنند و با بیان حقایق و ارائه تصاویر روشن از زنده گی ، افراد اجتماع و مخاطبان شانرا در روشنی بیشتر قرار بدهند . ولی از یاد نبریم که هرگاه همین وسیله ی بسیار موثر روشنگری ، معکوس و بصورت منفی بکار گرفته شود ، به آسانی میتواند افکار جامعه را مغشوش نموده ، پرده ی سیاهی بروی حقایق بکشد و ما را از دست یافتن به حقیقت محروم نماید .

پرسش : به نظر شما در تهیه یک خبر تلویزونی، متن خبر زیاد نقش دارد و یا تصاویر مربوط به واقعات؟

پاسخ: در هر حال هر دو – هم متن خبر و هم تصاویر مربوط ، در تهیه ی یک خبر تلویزیونی از اهمیت خاص برخوردار است . اما در نظر باید داشت که یک خبر در

تلویزیون باید به شکلی از اشکال با تصاویر مربوطش همراه باشد . متن خبر در تلویزیون اندکی فشرده تر است و همین اصل فشرده بودن از ما میخواهد که متن خبر باید بسیار دقیق ، واضح و افاده کننده ی تمام حادثه یا موضوع باشد .

پرسش : فروغی صاحب شما من حیث کارمند سابقه دار رادیو و تلویزیون در تهیه ی تعدادی از برنامه ها از جمله برنامه ساعتی با شما و برنامه موسیقی و نکته ها که در آن زمان واقعا از جمله برنامه های پر بیننده ترین و پر شنونده ترین بود ؛ نقش مهم و مرکزی داشته اید . مهربانی نموده به طور مختصر در مورد چگونگی تهیه مسلکی این برنامه ها و علت مشهور شدن و به دل نشستن این برنامه ها در میان مردم به طور مختصر معلومات ارایه نمایید .

پاسخ : راستش آنهمه پیروزیها در کار تهیه ی برنامه های خوب و محبوب ، درگام اول، ثمره و نتیجه ی کار صمیمانه ی یک تیم یا یک گروه بود - تیم یا گروهی که به شغل و وظیفه ی شان عشق ورزیده و بیننده و شنونده ی شانرا صمیمانه دوست داشتند . دوم اینکه ، ما در همان زمان با وجود امکانات کم ، خواستها و آرزو های مخاطبان خود را شناسایی کرده ، پس از آن به یاری خود بیننده گان و شنونده گان به تهیه ی مطالب و محتویات برنامه ها میپرداختیم .

درین زمینه ، اداره ی ریسرچ رادیو تلویزیون ملی تحت هدایت آقایون روشنگر و بعد محبوب الهی حسن زاده ، همه را از جمله مرا در شناختن خواستها و آرزوهای بیننده گان و شنونده گان ، یاری می رساندند .

در مورد کارهای کوچک خودم باید بنویسم که راهنمای کار من همواره همان صمیمیت ، امانت داری و صداقت در کار بوده است . من خودم را هنگام ارایه هر برنامه ، عضوی از اعضای هر خانواده های میپنداشتم که برنامه ام را میدیدند یا میشنیدند .

پرسش : در آنزمان در پهلوی مسوولیت برنامه های یاد شده، مصروف کدام کارها و فعالیت های مسلکی و هنری دیگر بودید، لطف نموده در زمینه معلومات ارایه نمایید؟

پاسخ : خوشبختانه در مدت زمان کارم در رادیو تلویزیون ملی ، در بخشهای گونه گون مسوولیت داشته ام . در نوشته و تهیه ی برنامه های هنری و ادبی ، در انسجام و طرحریزی برنامه های مختلف برای رادیو ، مدیریت و اداره ی تمام برنامه های خبری و اطلاعاتی تلویزیون و اداره و مدیریت ریاست مفسرین رادیو و تلویزیون . ناگفته نگذارم که من مسوولیت دستیارانتخابی اتحادیه ی ژورنالیستان رادیو تلویزیون ملی را هم بعهده داشتم . علاوه برآن با شور و عشق زیاد داستان کوتاه مینوشتم .

پرسش : قسمیکه به یاد داریم شما مدتی به خاطر ایجاد شبکه تلویزیونی آریانا در کشور آلمان اقدام نمودید که مورد دلچسپی افغانها قرار گرفت. لطفا در مورد چگونگی ایجاد و خاموشی آن مختصرا بگویید؟

پاسخ: تلویزیون جهانی آریانا که در نوع جهانی بودن خود اولین تلویزیون جهانی افغانها در تاریخ نشرات تلویزیونی ما افغانها بود ، در اساس به ابتکار آقای نعیم جوانبخت سرمایه دار روشن ضمیر ما ، به همکاری من و عده ای از همکاران خوب من ؛ براه انداخته شد . ما اراده ی تأسیس و راه اندازی یک تلویزیون جهانی ملی را داشتیم که هدف اساسی و بزرگ آن روشنگری بود - فقط روشنگری . ما میخواستیم اهمیت والای یکپارچه گی و وحدت ملی را تبلیغ نموده ، در رشد و اعتلای فرهنگ ما در داخل و خارج کشور گامهای موثر و صادقانه برداریم . ما آرزو داشتیم در بالا بردن سطح دانش و شعور اجتماعی - سیاسی اجتماع خود سهم کوچک ولی موثر خویش را ادا نماییم . فشرده اینکه ، تلویزیون براساس اراده یی پاک و بسیار صادقانه ایجاد شد و براه افتاد ؛ اما با درد و دریغ بدلیل عدم حمایت مالی و دخالتهای خرابکارانه ی برخی عناصر مخالف نشرات تلویزیون ، پس از دوسال کار و کوشش مسلکی و صمیمانه ؛ قادر به ادامه ی نشرات خود نبود . اگر نشرات آن تلویزیون ادامه می یافت ، اکنون ما صاحب یک تلویزیون جهانی افغانی در اروپا میبودیم که به وضوح هنوز این کمبود را داریم .

پرسش : شما به عنوان یک ژورنالیست سابقه دار و با تجربه برنامه ها و گزارشهای مختلف رادیوها و تلویزون های افغانی داخل و خارج کشور را چگونه می بینید ؟ آیا این برنامه ها با معیارها، اصول ومقررات مسلکی ژورنالیزم عیار هستند یا خیر؟ واگر نیستند ، پیشنهادهای شما به خاطر بهبود این برنامه ها چه است؟

پاسخ : در اول ، من ازینکه اکنون ما صاحب چندین برنامه تلویزیونی در داخل و خارج کشوریم ، خیلی خوشنودم . بگذارید تا با گذشت زمان با بالا رفتن سطح ذوق و شعور بیننده گان و از اثر رقابت های سالم و موثر ، از میان اینهمه برنامه های گونه گون که بسیار شان غیرضروری و غیرمسلکی هم هستند ؛ چند تایی شان باقی بمانند که بتوانند نیازهای بیننده گان را برطرف نمایند .

و اما درمورد نشرات برنامه های تلویزیونی ما : به باور من برخی برنامه های تلویزیونی از داخل کشور نشرات خوب و امیدوارکننده یی دارند . این برنامه ها اگر تفریحی و سرگرم کننده هستند یا برنامه های اطلاعاتی و سیاسی ، با افتخار میتوانم بگویم که مطابق معیار های مسلکی زمان ما تهیه و نشر میشوند . هرچند شمار این برنامه ها کم اند ؛ اما ما را امیدواری میبخشد که ژورنالیستان جوان داخل کشور ما

توانایی تهیه ی برنامه های خوب و شایسته ی تلویزیونی را داشته و هر روز به این توانایی هایشان می افزایند .

در مورد نشرات تلویزیونی از خارج کشور ، متأسفانه من نمیتوانم موافقت زیاد داشته باشم . نشرات تلویزیونی از خارج کشور بیشتر رادیویی است تا تلویزیونی . بیشترین برنامه ها به یاری تیفون داخل استودیو و سهم دادن به همه بیننده گان تهیه میشود . که این کار بصورت عام بسیار غیر مسلکی و نمایانگر ناتوانی و تنبلی تهیه کننده گان برنامه هاست . این تلویزیونها تا هنوز اصلاً خبر تهیه نمینمایند که جز اساسی کار ژورنالیستیک در هر تلویزیون است . در این تلویزیون ها برنامه های اطلاعاتی و سیاسی همچنان یا اصلاً تهیه نمیشود و یا با شرکت اشخاص تصادفی و غیر مسلکی تهیه میشود . به همینسان برنامه های هنری - فرهنگی شان .

به نظر من اکنون زمان آن فرا رسیده است تا این تلویزیونها هم در رقابت با تلویزیونهای داخل کشور ، کار شانرا جدی گرفته ، نورمها و قیودات مسلکی را برای تهیه تمام برنامه ها و برنامه سازان شان وضع نمایند .

پرسش : رادیو ها و تلویزون های داخل و بیرون مرزی از شما منحيث ژورنالیست آگاه وکارمند مجرب و شایسته سابقه دار رادیو وتلویزون دعوت نموده اند یا خیر؟ و اگر نه دلایش را چگونه ارزیابی می نمایید؟

پاسخ : خوشبختانه طی سالهای اخیر تاکنون دوبار از من بعنوان یک خدمتگار سابقه دار مردم در عرصه ژورنالیزم ، از داخل کشور دعوت بعمل آمده است تا تجارب اندکم را را در اختیار ژورنالیستان جوان بگذارم ؛ که البته من هم با کمال میل و با کمال افتخار این کار را انجام داده و در داخل کشور خدمت نموده ام . من فرزند و خادم وطنم هستم و تا زمانیکه توان خدمت مسلکی داشته باشم ، با افتخار انجام میدهم .

پرسش : در وضعیت بحرانی موجود کشور، فرهنگ و ادبیات و تمام داشته های مادی و معنوی کشور توسط مشتی غارتگر به بهانه حمایت از معنویات مقدس مردم ما و به بهانه دموکراسی و سایر پدیده های خوش لباس بر باد داده میشوند . شما منحيث یک ژورنالیست آگاه و رسالتمند چی فکر میکنید راه نجاتی به نظر میرسد ؟

پاسخ : من به این باورم که همان مشتی غارتگر هرگز توانایی اینرا نخواهند یافت تا فرهنگ و معنویات مقدس ما را از ما بدزدند . شما میدانید که فرهنگ پدیده ی پویا و رشدیابنده بیست و تمام فرهنگها بخصوص فرهنگ گشن بیخ و دیرپای ما آنقدر استعداد و توانایی دارد تا با وجود نا ملایمات روزگار و کوششهای خصمانه در برابر آن ، پویایی اش را حفظ کرده و رشد و اعتلای طبیعی اش را بپیماید .

طبعاً رشد و اعتلای فرهنگ همچنان به پالایش و پرورش توسط پاسداران و حامیانش نیازمند است. فرهنگیان ما، تمام نهادهای جامعه‌ی مدنی و درنهایت همه‌ی ما قبل از همه باید حامیان و پاسداران فرهنگ خویش باشیم - پاسداران این امانت بزرگ پدران و نیاکان ارجمند ما. اگر ما همه پاسداری از فرهنگ را اولین و عمده‌ترین وظیفه‌ی ملی و وطنی خویش بدانیم، همان مشتی غارتگر شاید بتواند کیسه هایشان را بیشتر پر از زر نمایند؛ اما هرگز توان نابودی فرهنگ گشن بیخ ما را نخواهند یافت.

پرسش: نظر شما در مورد متشکل ساختن ژورنالیستان و به خصوص کارمندان ارشد رادیو و تلویزیون و ایجاد دوباره یک شبکه رادیویی و تلویزیونی قوی و مسلکی که بتواند نقش و رول موثر در برنامه‌ها و پروگرام‌های آموزنده، علمی، ملی، ادبی و فرهنگی، سیاسی و اجتماعی داشته باشد چه است؟

پاسخ: میگویند " نابینا از خداوند چه میخواهد، دو چشم بینا " من یکی از علاقمندان سرسخت تشکل ژورنالیستان کشورم در خارج از کشور بخصوص اروپا هستم. من به این باورم که هموطنان ما این شایسته‌گی را دارند تا همانند سایر ملل مقیم اروپا، صاحب نشرات تلویزیونی و رادیویی مستقل باشند. من این را یک نیاز میدانم. ایکاش دولتمداران ما، شرکتهای خصوصی و یا اشخاص صاحب سرمایه‌ی ما به این مسأله بیشتر توجه نمایند.

ما بخاطر پاسداری، رشد و اشاعه‌ی فرهنگ خویش به نشرات مستقل رادیویی و تلویزیونی ضرورت داریم.

پرسش: پیام شما به بنیاد ژورنالیستان و اتحادیه‌های سراسری هنرمندان در داخل و خارج کشور چه است؟

پاسخ: به همه هم مسلکان عزیزم احترام و سپاس تقدیم نموده، سرفرازیها و پیروزیهای بیشتر شانرا در راه حفظ و گسترش فرهنگ گهربار ما آرزو مینمایم. آنچه ما در هر برهه‌ی تاریخ بخصوص حالا به آن نیاز داریم، همبسته‌گی ملی ماست. و این ژورنالیستان و فرهنگیان عزیز ما هستند که با کارهای خلاقه‌ی شان، اهمیت حیاتی همبسته‌گی میان مردمان سرزمین واحد ما را بیشتر برجسته نموده و آنرا دست یافتنی‌تر میگردانند.

تقاضای صمیمانه‌ی من از همه ژورنالیستان، هنرمندان و فرهنگیان گرانقدر ما اینست که وطن و مردم خود را مثل همیشه یاری برسانند و در شرایط کنونی بدون در نظر داشت تعلقات قومی، زبانی، گروهی و عقیدتی در راه حفظ همبسته‌گی و وحدت ملی بکوشند.

– محترم فروغی صاحب کار ها و فعالیت های شما در عرصه علم، ادب، هنر و مسلک ژورنالیزم قابل قدر و ستایش است. از شما جهان سپاس که حاضر شدید به پرسش های من پاسخ های علمی، هنری، مسلکی، ادبی و منطقی ارائه نمودید. به شما دوست عزیز و گرامی و خانواده محترم تان صحت و سلامتی، موفقیت ، سرافرازی ، طول عمر، سعادت و خوشبختی آرزو می کنم.

– من هم از جناب شما انجنیرمسعود گرانقدر که خود خدمات شایسته و با اهمیتی در راه رشد و اعتلای فرهنگ ما انجام داده اید ، ابراز سپاس مینمایم . خوشبختی و سرفرازی شما هم آرزوی من است .

باعرض ادب و احترام . انجنیر عبدالقادر مسعود.